

فرماندهان دوستی



فتمه نفیست

نگاهی به خانواده و پدر و مادر و خودتان بیندازید. تا حالا از خودتان پرسیده‌اید چه کسانی شب و روز تلاش می‌کنند که همه چیز داشته باشید؟ چه کسانی نمی‌گذارند شما از چیزهای ترسناک بترسید؟ چه کسانی آرامش و امنیت را به خانه می‌آورند؟ بله، درست است، پدر و مادران. خب، یک کشور هم برای اینکه ساکنانش راحت و توی آسایش باشند و دشمن نتواند هیچ آسیبی به‌ش بزند، به قهرمان‌هایی نترس، قوی، باهوش، صبور، با ایمان و با اراده و وحدت آفرین نیاز دارد. سردار سرلشکر شهید نورعلی شوشتری و سرتیپ شهید رجبعلی محمدزاده دونفر از این قهرمان‌های واقعی ما هستند که چهارده سال پیش یعنی ۲۶ مهر ۱۳۸۸، درست وقتی که مثل همیشه به روستای «پیشین» در سیستان و بلوچستان رفته بودند تا باز هم به مردم محروم آنجا در آبادانی و امنیت شهرشان کمک کنند، با بمب‌گذاری دشمنان ما به شهادت رسیدند و پیش خدا و دوستان شهیدشان رفتند. حالا وقت آن است که با این دو قهرمان بیشتر آشنا شوید:

فرماندهی که پسر خاله‌ی صدام

راکشت

فکرش را بکنید قهرمان ما آقا نورعلی شوشتری که قد بالا و سینه‌ای به ستبری رستم داشت و اراده‌ای آهنین، یکی از اهالی خوب روستای ینگجه‌ی سرولایت نشابور بود که از همان روزای اوّل پیروزی انقلاب اسلامی، هرجا لازم بود، به گفته‌ی امام خمینی [ره]، توی میدان بوده و برای آرامش آسایش مردمش فداکاری‌ها کرده است. زمان هشت سال دفاع مقدّس روبه‌روی ارتش صدام زیر آتش توپ و خمپاره و موشک‌های دشمن شب و

روز با نیروهایش توی همه جبهه‌ها برای دفاع از ما جنگید و هفت بار هم مجروح شده اما باز هم از پاسداری از مرزها و دفاع از مردمش خسته نشد. تازه توی کتاب‌ها هست که بعد از پایان جنگ هم دوباره توی دفاع از مرزهای ایران در مبارزه با آدم‌های شرور و بدیک لحظه هم کم نگذاشته است. خوب است بدانید این قهرمان خراسانی ما که توی عملیات‌هایی بزرگی مثل فتح المبین، بیت المقدس، رمضان و کربلای ۵ شرکت داشته، توی عملیات والفجر ۳ که برای آزادسازی منطقه‌ی «مهران»